

امیر عبدالرحمن خان مغالفا خود را در قندهار بکشت، و آن حدود را کاملاً مطیع گردانید و به تصفیه حصص دیگر افغانستان توجه کرد، و در مدت کمی تمام مخالفان خود را قتل نمود، و یازدانی و یابهار خارج کشور فراری ساخت.

دولت هند برطانیوی نیز امیر را تقویه کرد در سنه ۱۸۸۰ ع به او پنج لک روپیه نقد با چندین صد توپ و چندین هزار تفنگ داد، و هر سال (۱۸) هزار پوند به او امداد میکردند، و باین صورت امیر در مدت کمی قوت گرفت، و بر تمام افغانستان مسلط گردید. قندهار و هرات را در ۱۸۸۱ م بکشو دو بدخشان و شغنان را در ۱۸۸۴ بدست آورد، و از واکان نیز علی مردان را برانداخت و عوض وی غفار خان ناتار را حاکم خویش مقرر نمود، بعد از آن و لایات شمالی افغانستان را تا میمنه و اندخوی در سال ۱۸۸۵ م فتح کرد، و به عموزاده خویش محمد اسحاق خان سپرد، ولی این سردار در (۱۳۰۶ = ۱۸۸۸ م) در آنجا شورش کرد و امیر فوراً بمزار شریف رفت و اسحق خان را به ماورای آمو راند، و تمام و لایات شمالی را بدست آورد.

در عصر وی غلجیان از غزنی تا کلات شورش کردند، ولی امیر ایشان را سر کوبی سخت داد و بعد از آن مردم هزاره وسط افغانستان را نیز مطیع گردانید (۱۸۹۳ = ۱۳۱۱ هـ).

کوهسار بلورستان که بشمال کتر افتاده و کافران سپید پوش و سیاه پوش در آن زندگانی داشتند، و همواره از دسترس حکومت افغانی خارج بودند، نیز در سنه (۱۳۱۳ = ۱۸۹۵ م) بحکم امیر مورد حمله جنرال غلام حیدر خان سپه سالار چرخنی واقع گردید، و مردم آنرا تماماً مطیع و مسلمان ساخت و آنرا (نورستان) نامید.

امیر در اداره داخلی شخص دلیر و ستیزه جوی و ادا ره چینی نیرومندی بود، که در خونریزی و کشتار مخالفان نظیری نداشت، اما دلاور و مدبر و از اوضاع جهان واقف بود، و نیمه سواد هم داشت، چنانچه کتابی بنام پندنامه بفارسی نوشته و تاج التواریخ را هم در حضورش بامر او نگاشته اند و منسوب باوست، وی لشکر قوی را بقیادت سپه سالاران اعتمادی خود مانند سپه سالار غلام حیدر خان چرخنی، سپه سالار فرامرز خان، سپه سالار غلام حیدر خان (لنوی) آراست، و مخصوصاً دایره جاسوسی قوی را در کشور تاسیس کرد، حکام کاری را بر سر گماشت، و دفاتر پسته را هم در ولایات و بلاد افغانی بنا کرد.

کشود، محاکم شرعی را مجدداً برپا کرد، علمای دینی را در مدینه و شاهي کابل بتدریس علوم گماشت، چاپخانه را از سر نو تاسیس کرد، و یک کارخانه تفنگ سازی را نیز در کابل احداث نمود. دفاتر مالییه را در تحت نظر مستوفی الممالک مرکز و مستوفیان ولایات منظم تر کرد، اوراق را هداری را برای سفر داخلی زایج نمود و دزدان و قطاع طریق و سرکشان را بشدت تعقیب و تهدید کرد و بنا بران امنیت روی داد، و نجارب و صنعت نیز فی الجمله فروغ گرفت و مملکت دارای مرکز واحد اداره گردید.

امادر سیاست خارجی: امیر مرد ملایم و دیپلمات نیکویی بود و دولت انگلیسی به نر می رفتن کردی و همواره مراتب دوستی و مودت را بیش از پیش پروردی، و امدادهای مادی و معنوی پذیرفتی، بعد از آنکه در اوایل امارت مملکت آرام کرد، و لقب ضیاء الملة والدین را در سنه ۱۸۹۶ م گرفت و خطبه بدین عنوان خواند و سکه زد، و سرکشان را تماماً بشدت بکشت و یا از بین برداشت. با خاطر مطمئن به ملاقات لارزد فرین گوزنر جنرال هند به را ولیندی رفت و مراتب مودت و دوستی را محکمتر نمود (۱۸۸۵ م) و بعد از چند سال فرزند کوچک خود سردار نصرالله را بلندن و دربار ملکه انگلیس نیز اوسال داشت اسپرل (۱۸۹۵ = ۱۳۱۲ هـ).

#### مهمترین وقایع سیاسی عهد امیر بادول همسایه قرار ذیل اند:

۱- در سنه ۱۳۰۳ = ۱۸۸۵ م دولت تزاری روسیه بر پنجاه شمالی هرات لشکر کشی کرد، و با وجودیکه جنرال غوث الدین سر لشکر محافظ افغانی بمردانگی دفاع کرد و پنجاه بدست روسیان افتاد. امیر عبدالرحمن خان درین باره در تاج التواریخ چنین می نویسد: که در ماه جولایی ۱۸۸۴ م جنرال سرلمسدون رئیس کمیسیون انگلیسی و جنرال زیلتای رئیس کمیسیون روسی برای تجدید سرحدات معین شده بودند، ولی قبل از آغاز کار پنجاه را روسیان اشغال کردند.

بعد ازین کمیسیون دیگری که ریاست آنرا سر جوزف ویسبتر جوی SIR WEST RIDGEWAY منشی دوم اداره خارجی هند داشت، و اعضای آن کرنل هیولدیچ و کرنل نیت وقاضی اسلم خان بودند، از طرف حکومت هند به تجدید سرحدات افغانی و روس گماشته شدند این کمیسیون کار خود را در ماه اکتوبر ۱۸۸۶ م ختم کرد، امیر

گردید ، و خاک های چمن و پشین و چغنی و وزیرستان و بلند خیل و کورم و پارا چنار و افریدی و وبا جوروسوات و بنیر و دیر و چیلا مس و چترال که از بقایای خاکهای افغانی بود ، از افغانستان جدا و به هند شامل شد ، و مقابلتا بجای (۱۲) لک رو پیسه (۱۸) لک رو پیسه از طرف حکومت هند ، با میرسالیانه مقرر شد ، و وعده امداد اسلحه جنگی نیز داده شد .

باینصورت تحدید نامه دیورند اقرار نامه غیر حقوقی منحوس گندمک را تصدیق داشت ، درحالیکه امیر زاده یعقوب خان میثاق گندمک را در حالت اضطرار و هرج و مرج و هجوم لشکر یا ن اجانب به حالت جبر و اکراه امضاء کرده بود ، و چون نماینده مردم و پادشاه مسلم کشور نیز نبود بنابراین ماهیت حقوقی آن وجود نداشت . و امیر عبدالرحمن خان نیز تحدید نامه دیورند را بدون قبول نمایندگان ملت و یا دعوت جرگه ملی به قبول یارد آن ، شخصاً قبول کرده بود .

بهر حال کمیسیون دیورند به تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۸۹۳ م از کابل برآمد . امیر عبدالرحمن خان در اوایل امارت در حدود ۱۳۰۰ هـ دارای ۷۴۰ ، ۵۸ نفر عسکر بود ولی بعد از استقرار امارت در کابل ، هرات ، قندهار ، بلخ ، جلال آباد اسمار و سواحل آمو و سرحدات ایران و هند عساکر منظم و ایلجاری ذیل داشت :

۸۰ غنند پیاده هر غنند ۷۰۰ نفر جمله ۵۶،۰۰۰ نفر

۴۰ غنند سوار هر غنند ۴۰۰ نفر جمله ۱۶،۰۰۰ نفر

۱۰۰ بطری توپخانه فسی ۱۰۰ نفری با ۶ توپ جمله ۱۰،۰۰۰ نفر

پیاده خاصه شله هی ۴ غنند هزار نفر - جمله ۴،۰۰۰

سوار خاصه شاه هی ۳ غنند هر غنند ۸۰۰ نفر - جمله ۲،۴۰۰

قوای اضافی پلیس - جمله ۲۰،۰۰۰

ایلجاری سوار - جمله ۱۰،۰۰۰ نفر

باینطور عدد تمام قوای مسلح بتعداد (۱۴۸،۴۰۰) نفر میرسید که امیر با این وسیله توانست امنیت بی سابقه را در مملکت تامین نماید و سرکشان را سرکوبی کند .

امیر عبدالرحمن کارخانه ضرب سکه - کارتزس سازی تفنگی سازی - آهنگری ، توپ سازی ، عرق کشی ، دباغی ، بوت سازی صابون بزی ، خیاطی ، مطبخ ، صحافی را در کابل دایر نموده و اداره های نظامی ، کشوری ، عدلیه ، تعمیرات

بایشان نشانهای طلایی داد و از خدمت و سعی شان امتنان کرد ، و بالاخره موافقه آخرین این تحدید سرحدات درسنت پتر زبورگ در جولایی ۱۸۸۷ م امضا و پنجاه رسماً از افغانستان مجزا شد .

تحدید نامه رجوی بر نقاطی از دهنه ذوالفقار تا خواجه سالار شاملست و امیر از دولت هند تقاضا داشت که آنرا تا کوهسار بامیر علایم گذاری نماید ، ولی این خواهش امیر تکمیل نشد ، و بعد ازان در سال ۱۸۹۳ م کرنل نیت مذکور بقایای مسایل تحدید نامه سابقه را نیز حل کرد ، و بدینطور امیر توانست بین دو امپراتوری بزرگ بر افغانستان حکمرا نی کند .

۲- دیگر از کارهای سیاسی که امیر بدون خواهش یا تصدیق جرگه مردم افغانستان انجام داد ، و در تاریخ افغانستان مسنولیت بزرگی را بدمت شخص وی می اندازد امضای تحدید نامه دیورند است که بادولت هند بر طانوی سرحدات شرقی و جنوبی افغانستان را تحدید کرد ، امیر گوید من از لاردرین ولاد سا لیسبری و ایسرایان هند خواهش کردم که وزیر خارجه هند را بریاست کمیسیون تعیین حدود بفرستند ، ولی ناخوشی من و شورش سردار اسحق خان آنرا معطل داشت ، ولاد کنتون نایب السلطنه لارد را برتسی را با این کار مقرر کرد چون را برتس در افغانستان سابق بدی داشت و ممکن بود مردم برو بشورند ، من آمدن او را معطل داشتم ، تا که بالاخر در اواخر سپتمبر ۱۸۹۳ م سرهتری مارتیمر دیورند (۱)

#### SIR MORTEIMER DURAND

وزیر خارجه هند بریاست کمیسیون تعیین حدود سرحدی به کابل آمد ، و اعضای این کمیسیون کلنل الیس و کیتان مانریس اسمت و مستر کلارک و مستر وانلد و چند نفر هندیان دیگر بودند . مذاکرات بنیاستی در کابل با خود امیر آغاز شد ، و در نتیجه تحدید نامه منحوس دیورند امضاء گردید این تحدید نامه هفت ماده دارد ، که به موجب آن خط سرحدی دیورند از حدود بلوچستان تا چترال و واخان تعیین

(۱) متولد ۱۴ فروری ۱۸۵۰ م ولد میجر جنرال سرایچ ، ایسم دیورند بسال ۱۸۷۳ در خدمت کشوری بنگال داخل شد ، و در ۱۸۷۹ م سکرتر سیاسی را برتس در کابل بود . از سال ۱۸۸۴ - ۹۴ سکرتر امور خارجه حکومت هند و بعد از آن سفیر انگلیس بود در تهران ، مادرید و واشنگتون (بیوگرافی هند ۱۲۸)

طبی، معادن، تجارت، پوسته، مدارس دینی را در پیوسته، قصر وازگ شاهی کابل را بساخت و تمام افغانستان را در تحت اداره واحد مرکزی در آورد، که این سعی وی مشکور است.

امیر عبدالرحمن بعد از امارت ۲۱ سال در کابل به مرض نقرس بمرد (۱۹ جمادی الثانیه ۱۳۱۹ = ۱۹۰۱ م) (عکس نمبر ۸۸).

و مملکتی مطیع و خالصی از سر کشتان را به سران خود گذاشت در حالیکه مردم از شنیدن نام وی میلرزیدند، و بعد از مرگ هم مدتی فوت او را باور نمیکردند! پسر از وی فرزند بزرگش امیر حبیب الله خان به لقب «سراج الملة والدین» بر تخت کابل نشست (۶ - اکتوبر ۱۹۰۱ م) و بسال ۱۹۰۴ م عنایت الله خان فرزند بزرگ خود را بملاقات لارڈ کرزن و ایسرای هند فرستاد، و بعد از آن لوئیس ولیم سنکر تر خارجه هند بکابل آمد و با امیر معاهده ۲۱ ماچ ۱۹۰۵ = ۱۴ محرم ۱۳۲۳ ه را امضاء کرد.

در عصر سلطنت ۱۸ ساله امیر حبیب الله خان جز بغاوتی که یکبار در سمت جنوبی بسر کردگی جانان احمد زبی بعمل آمد، واقعه یسی بظهور نرسید، زیرا پدرش قبلا مملکت را از رجال کاری و ارباب ادعا خالی کرده بود، بنا بر آن امیر با خاطری آرام در محیط آسوده زندگی میکرد، در سنه ۱۳۲۵ سفری بداخل مملکت به قندهار و هرات و میننه و بلخ نمود، و در جنوری ۱۹۰۷ م بدعوت لارڈ منتو نایب السلطنه بهند رفت و در (۷) مارچ ۱۹۰۷ م از راه بشاور و جسرود برگشت.

امیر با وجود فراغ و امنیت داخلی کار مهمی را در کشور نکرد و آثار جزوی را از مدنیت جدید به مملکت وارد نمود، از کارهای جزوی نیکی که کرد، افتتاح یک مدرسه ملکی بنام دارالعلوم حبیبیه و یک مدرسه حر بیه و چند باب مکاتب ابتدایی در کابلست، یک اخبار بنام «سراج الاخبار افغانیه» نیز نشر کرد و دو چاپخانه در کابل قایم شد، و چند قصر و باغ و سرک و رباط ساخت.

در جنگ عظیم ۱۹۱۶ م اعلان بیطرفی داد.

سیاست داخلی امیر برخلاف رویه پدرش خیلی ملایم و بامدارا بود و مردم را نمی آزرد، و شخصاً با حکام دینی و صوم و صلوة پابندی داشت ولی در طرز اداره و تشکیل دوایر و اخذ مالیات و دیگر امور کشوری، تحول بارزی که زمان و مکان تقاضا داشت وارد نکرد، و همان سیستم قدیمی که پدرش وضع کرده بود، برقرار ماند.

امیر حبیب الله خان شب پنجشنبه ۱۸ جمادی الاولی (۱۳۲۷ ه - ۱۹۱۹ م) در شکار گاه، کله گوش لغمان بضرب تفنگچه دار فانی را وداع فرمود.

و برادرش سردار نصرالله خان در جلال آباد اعلان پادشاهی کرد ولی مردم افغانستان برای بازیابی استقلال و حفظ تمامیت کشور، نهضت قهرمانانه نمودند، و آزادیخواهان افغان فرزند دوم امیر فقید، سردار امان الله خان را بتخت سلطنت نشانند (۹ حوت ۱۲۹۷ ش = ۱۳۲۷ ه اول مارچ ۱۹۱۹ م) و جنگ استقلال آغاز یافت. (۱)

(۱) حوادث معاصر بعد از اعلان استقلال مجدد و تشکیل افغانستان جدید، محتاج نوشتن جلد جدا گانه تاریخست و بنابراین این کتاب برین جا ختم شد.

نهضت احمدشاه و تشکیل مجدد افغانستان آزاد، در سنه ۱۱۶۰ قمری هجری بعد از سقوط دولت هوتکی قندهار و سلطه موقت نادر افشار که مدت ده سال دوام کرد، نتیجه تسلسل واقعاتیست که در تاریخ افغانستان قبلا روی داده بود. و اوضاع اجتماعی و اقتصادی سر زمین افغانستان تقاضا داشت که در نتیجه جنبش های روشن و خوشحال و میرویس دولت آزاد و نیرومند افغانی بوجود آید.

مردم افغانستان دوره های فترت چند قرن را بعد از سقوط دولت تیموریان هرات در حوادث حملات صفویان و بابریان با عسرت و تلخی و خانه جنگی گذرانیده و از فقدان مرکزیت ملی خود متحسب بودند، تا که هوتکیان قندهار و ابدالیان هرات سلطه اجنبی صفویان ایران را عقب رانده و از بین بردند، و روش نیان و خوشحال خان خٔنک و ایمل خان مهمند و شیرخان ترین و غیره با بقایای سلطه شاهان باری هند در آویخته و ملت خود را از یوغ اسارت رهایی دادند.

درین کیر و دار هولناک که مردم مبارزه عنیف و دشواری مشغول بودند، به پرورش علوم و ادبیات و فرهنگ نیز فرصتی نبود، ولی با وجود آن دیده میشود، که دربار شاه حسین هوتک در قندهار پرورشگاه ادب و علما بود، و محمد هوتک سرمنشی این دربار کتاب پتہ خزانه را نوشت که یگانه نمودار حرکت فکری و ادبی حدود ۱۱۴۰ ق است.

در بار احمدشاه نیز از نظر فکری روشن بنظر می آید. زیرا خود احمدشاه مرد شاعر و خوش قریحه تصوف دوستی بود، که دیوان شعر پبنتو دارد، و در خانواده او تیمور شاه صاحب دیوان دری و پبنتو، و شاه شجاع دارای دیوان شعر دری، و شهزاده عبدالرزاق بن شاه زمان متخلص به دری و شهزاده نادر بن شاه شجاع و چندین شهزاده دیگر شعرای صاحب ذوق بوده اند.

احمدشاه خاندانهای علمی را در شهرهای کشور خویش پروراند که بقایای ایشان در دورهای عابد مصدر کار نامه های بزرگ فکری ادبی، سیاسی شده اند. مانند خانواده خانلوم بارکزائیان قندهار که منصب قاضی القضاات تاجنک استقلال درین خانواده باقی بود، و بمنزله وزیران عدلیه مابعدند. و درین خانواده اشخاص دارای تالیفات علمی هم گذشته اند و بابه تشویق ایشان مولفان دیگر دست به تالیف کتب برده اند.

مانند ملامحمد سعید بارکزی که در عصر شاه محمود سدوزی قاضی القضاات بود و پسرش خانملا قاضی عبدالرحمن خان مولف رساله نصیحة المومنین است. و امیرمحمد بن عبدالقادر سلیمان خیل در عصر امیر شیرعلی خان رساله الدافعه را به تشویق خانملا عبدالسلام بن محمد سعید نوشته بود.

خانواده ملا اسماعیل الکوژنی نیز از عهد احمدشاهی در قندهار بود که فرزندش ملا احمد استاد معقول و منقول و قاضی شهر احمدشاهی و مولف بیان الوافیه لطوایف الصوفیه و تعلیم السلوک و رساله های کاشفه و فارقه متوفی ۶ ربیع الثانی ۱۲۳۳ ه است. برادر ملا احمد که پیرمحمد نامداشت نیز از علمای نامدار آن عصر در قندهار است که در سنه ۱۲۳۳ ه کتاب عقیده المشایخ و العلماء را بزبان عربی نوشته است.

قاضی غلام محمد هوتک نیز از علمای معروف قندهار و قاضی شهر بود، که کتاب ارشاد الحق را بزبان عربی در سنه ۱۲۶۴ ه نوشت، و فرزندش عبدالاحد باسید جمال الدین در قندهار آشنایی داشت. و محمد نور بن محمد حسن توخی نیز از شاگردان مباحثه فقیرالله جلال آبادی مولف جامع السلوک بزبان عربی در حدود ۱۲۳۰ ه است.

دردمان علمی ملا بابر موسی خیل از عصر هوتکیان در قندهار بود که فرزندش مولوی فیض الله در عصر احمدشاهی استاد خانواده شاه ولی خان اشرف الوزراء مولف رساله تدریسی در منطق است. و بعد ازین مولوی حبیب الله مشهور به محقق قند هاری بن قیض الله در اواخر عصر سدوزایی در قندهار زندگانی داشت (۱۲۱۳ - ۱۲۶۳ ه) که مولف ۳۳ جلد کتاب در معقول و منقول بزبانهای عربی، دری، پبنتو است و آثار بکروتازه انتقادی را در ریاضی و منطق و اصول فقه و دیگر علوم مروجه اسلامی نوشته است، و بعد ازو مولوی عبدالرحیم پسرش و مولوی عبدالروف نواسه و مولوی عبدالواسع و مولوی عبدالرب پسران مولوی عبدالروف از مشاهیر علمی دورهای ما بعدند که در صحافت و معارف و ترتیب قوانین عدلیه خدمات شایانی نموده اند.

خانواده علمی سلجوقیان هرری از اخلاف ملامحمد مدفون روز آباد اند، که علامه ملامیرزا پسرش را احمدشاه بابا بهرات آورد، و مدرسه پای حصار را باو سپرد، ازین خانواده علماء و مدرسین زیاد برآمدند که از آنجمله ملا عبدالاحد خلیفه و ملامحمد عمر بن محمد ایوب بن نورالدین

بن ملا میرزا مولف چندین کتاب و آزان جمله الملهم در اصول فقه است (حدود ۱۲۶۰ هـ) وهم ملا محمد رفیق سلجوقی بن محمد صدیق (مولف رساله نحو) و محمود مشرف و خلیفه محمد حسین خوش نویسنده مردم دانشمند و هنرمند این خانواده بوده اند.

خانواده دیگر علمی و سیاسی در پشاور شهرت فراوان داشت که جد اعلاى ایشان اخوند ترکمان بن تاج خان از غوره مرغه قندهار رفته و دزوادى شمال پشاور در آمازیی سکونت کرد، و فرزندش ملا محمد غوث شاکرد حاجی محمد سعید واعظ به علم و عرفان مشهور و از طرف احمد شاه قاضی پشاور بود، که حاشیه بر میرزای کلان منطق نوشته و کتاب شرح الشرح را بزبان دری در شرح اقوال عرفانی احمد شاه بنام او تالیف کرد. و نواسه او قاضی عبدالکریم بن دادالله بن محمد غوث کتابی بنام نصاب التوحید نوشت. اما قاضی محمد حسن بن قاضی اکبر شاه بن محمد غوث ملقب به خان علماء استاد خاندان سردار پاینده خان وزیر شاه شجاع و از طرف او امضا کننده پیمان مثلث لاهور در ۱۸۳۸ م بود. همچنین قاضی طلا محمد فرزند قاضی حسن از رجال علم و ادب و دارای دو دیوان شعر دزی و عربی و مولف جواهر نغز و سلوة التقریری ترجمه التحریر و نفحة المسک و تسلیه العقول و سلوة الکئیب و قصیده بسائیه در عمل بحديث است. و قاضی عبدالقادر بن فضل قادر بن قاضی حسن سرمنشی عسکری دربار امیر شیرعلی خان و مترجم کتاب قواعد عسکری از انگلیسی بفارسی و بنیتو بود که در مطبعه شمس النهار کابل بطبع رسیده است.

خانواده میرزایان بر نایاب هرات نیز مردم دانشمند با فرهنگ و ادب بودند، که از آن جمله میرزا ارشد خلف خواجه محمد صلاح منشی متخلص بفايض منشی ابدالیان و درانیان هرات و خطاط صاحب دیوان اشعار و مثنوی ابر گهر باز است (اواسط قرن یازدهم) و میرزا ابوطالب متخلص به مایل برادر زاده ارشد نیز دیوان شعر دری دارد، و میرزا رضا بن محمد کاظم صاحب مجموعه اشعار و اربعین و تذکره بر نایاب منثور است که منشی دربار شاه محمود وزیر فتح خان در هرات بود. و همدرین عصر سدوزایی میرزا محمد هادی متخلص به عشرت هروی منشی باشی شهزاده تیمور در هرات است که ملا عبدالله روزی و ملک سنجر از ابنای ملوک غور و ابا سهل و ملا مسکین (شعراى لهجه هزاره) معا صرین اودر هرات اند.

خانواده مجددیان در دوره سدوزاییان و بعد از آن شهرت تام و روحانی داشته و علما و شعراى خوش قریحه از آن برآمده اند، که مرجع تلقین طریقت نقشبندی در سر تاسر آسیای میانه از خراسان تاسر هند و ماوراء النهر و حواشی چین بوده اند، و یک نوع ثقافت اسلامی خراسانی را پرورانده اند که مدار آن شریعت و تصوف بود، ولی در طریقت نقشبندی تصوف راهواره به نفع خلق و اصلاح اخلاق بدون انزوا و رهبانیت استعمال میکرده اند، و چون افراد مجددیان نقشبندی بادر بارهای شاهی افغانی وابستگی داشته اند، بنابراین در سیاست و فرهنگ و اجتماع دست قوی را دارا بوده اند.

این خانواده فاروقی از اولاد شخصی اند که شهاب الدین فرخشاه نام داشت و در پنجشیر شمال کابل در دره فرخشاه مدفون است، و امام رفیع الدین از همین دودمان از کابل به سر هند رفت و از احفاد او شیخ احمد مجدد الف ثانی بن مولانا عبدالاحد که سلسله نسبش به ۲۸ واسطه بحضرت عمر فاروق میرسید، در ۱۴ شوال ۹۷۱ هـ در سرهند بدنیا آمد و در طریقت نقشبندی از خواجه محمد باقی کابلی (متوفی ۱۰۱۲ هـ) استفاضه نمود، و در هند و افغانستان شهرت علمی و روحانی بزرگی داشت (متوفی سه شنبه ۲۸ صفر ۱۰۳۴ هـ بعمر ۶۳ سالگی در سرهند).

در عصر شهنشاهی سدوزایی ازین خانواده شاه غلام محی الدین مجددی بن غلام صادق حفید ششم حضرت مجدد و پسرش شاه نظام الدین متخلص به نظام صاحب دیوان دری در شکار پور شهرت روحانی و اراضی فراوان زراعتی داشته اند. و برادر دیگر غلام صادق که شاه غلام محمد (متوفی در پشاور ۱۱۷۸ هـ) نام داشت جد مجددیان قندهار است. و اولاد شاه عزت الله برادر دیگر ایشان دربار کند بوده اند. و شاه صفی الله متخلص به صفی دارای دیوان دری و چهار کتاب دیگر است (۱۱۵۶-۱۲۱۲ هـ) که در حدیده یمن مدفون است و اولاد او در کابل و ننگرهار بودند، که از آن جمله شاه عبدالباقی متخلص به باقی (متوفی در کابل ۱۲۸۷ هـ) دارای دیوان شعر دری وجد حضرات شور بازار کابل است، و پسرش غلام عمر متخلص به عمر (حدود ۱۲۹۰ هـ) و فرزند او ناصر الدین متخلص به جانان و شمس المشایخ فضل محمد متخلص به فضلای شعراى صاحب دیوان اند. و شاه فضل الله بن شاه غلام نبی نواسه شاه غلام محمد (۱۱۸۴-۱۲۳۸ هـ)

مؤلف عمدة المقامات و دارای دیوان شعر دری از رجال بزرگ روحانی دربار تیمورشاه و شاه زمان بود. و هم محمد حسن بن عبدالرحمن نواسه سوم شاه فضل الله مؤلف انساب الانجاب و انیس المریدین و غیره است. میر احمد متخلص به اظهر (۱۲۰۶-۱۲۶۹هـ) از حضرات پشاور و بدخشان مؤلف هفت مجلس و اربعین و سبیل الرشاد و مناقب الطاهرین و دیوان غزلیات و شش مثنوی و چندین کتاب دیگر است.

خانان وکیل الدوله عبدالله خان پسر علی خان پوپلزئی قند ها ری (متوفی ۱۲۰۱ هـ) نیز مردم اداری و لشکری و دارای فرهنگ و ذوق ادبی بوده اند، که از آن جمله خود عبدالله خان شعر دری میگفت و پسرش محمد علم خان وکیل الدوله متخلص به «علم» نیز بزبان دری شعر می سرود (متوفی ۱۲۹۳هـ) و میر هوتک خان متخلص به افغان بن زمان خان پوپلزئی (حدود ۱۲۱۸هـ) از شعرای هنرمند صاحب دیوان دری است و برادر دیگرش الله یار خان راسخ نیز شعر می سرود و مولوی محمد ابراهیم برادر دیگرش از علمای عصر بود، و این دو دمان در بسط هنر و ادب و فرهنگ دستی داشته اند.

خانواده دیگر ادبی و روحانی شیخ سعدالدین احمد انصاری بن عبدالغفار است که مرد صوفی و ادیبی بود و آثارش بنام معدن وحدت و دیوان شور عشق و غیره تا ۴۳ جلد میرسد وی درده یحیی کسا بل در سنه ۱۲۲۵ هـ در گذشته و پسرش میر ظهور الدین ظهور دارای دیوان شعر و مؤلف کتب طب و فرزند دیگرش میر امام الدین متخلص به درویش شاعر دری و پبنتو و مؤلف احوال و آثار حاجی صاحب پای منار، و میر قطب الدین متخلص به فارغ شاعر دری و مؤلف مثنوی سمرقند و میر حسام الدین احمد و میر نجم الدین احمد و میر نظام الدین احمد و میر فخرالدین مولوی و میر ناموس الدین پسران شاعر سعدالدین - و نیز میر سیف الدین عزیزی بن میر مقام الدین (حدود ۱۲۸۲هـ) دارای قریحه شعری دری بوده اند.

شعرا و نویسندگان دیگر این دوره عبارتند از :

سید ابوالحسن متخلص بعنوان متولد جرم بدخشان ۱۱۲۳ هـ و مقتول ۱۲۰۶ هـ، و عبدالرحمن عارض بدخشی متوفی ۱۲۲۳ هـ، و میرزا محمد واصل فروغی معاصر شاه زمان، و امیر سبحان قلی خان دروازی (حدود ۱۲۳۰ هـ) و لعل محمد عاجز بن پیر محمد ملقب به عبدالشافی صاحب دیوان اشعار دری متوفی ۱۲۲۸ هـ، طبیب دربار تیمورشاه، و میر عصمت الله

متخلص به کشوری بن عبدالله از دهدادی بلخ متوفی ۱۲۵۷ هـ، صاحب دیوان اشعار، و جنیدالله خاذق بن صوفی اسلام هروی متوفی ۱۲۵۹ در قندهار صاحب دیوان و مثنوی یوسف و زلیخا ی خاذق، و شهاب ترشیزی هروی شاعر صاحب دیوان عصر تیمورشاه، و میر محمد نبی اخگر بدخشی متوفی ۱۲۶۹ هـ در رستاق مؤلف حدائق الحقایق در عروض و رساله قوافی و هشت بهشت در فلسفه و حکمت و دینیات و مثنویات لیلی و مجنون و شهادت نامه حضرت امام حسین، و میرزا احمد خان مستوفی کابلی متوفی ۱۲۸۰ صاحب دیوان اشعار، و میرزا محمد محسن دبیر بن میرزا علی خان (۱۲۲۷-۱۲۸۲هـ) منشی دربار شاهان محمد زائی، و میرزا عبدالواسع بن لعل محمد خان عاجز کابلی (۱۲۰۸-۱۲۸۳ هـ) صاحب دیوان اشعار، و طبیب دربار، و میر سعد الدین بن سعدالله تنگی سیدان (۱۱۹۸-۱۲۸۴هـ) صاحب دیوان اشعار، و علی نقی متخلص به وصفی صاحب دیوان اشعار (حدود ۱۲۰۰هـ) و فرحت هروی دارای دیوان اشعار و ولی طواف کابلی بن محمد علی (حدود ۱۲۸۸هـ) شاعر ناخوان دری، و داملا عبدالقیوم بن محمد نبی خلمی شاعر صوفی مشرب متولد ۱۲۶۵ هـ دارای دیوان اشعار و مثنوی تنبیه المرائی و قیامت نامه و مجمع الاشعار دری و ترکی و مثنوی دره الشهزاد، و محمد غلام غلامی ولد ملا تیمور سراینده جنگ نامه در احوال جنگ اول انگلیس و افغان - و میر محترم حافظ جی از خانواده میر واعظ (حدود ۱۲۵۶هـ) دارای دیوان اشعار دری، و میر مختبی بن مرتضی کابلی متخلص به الفت (تولد ۱۲۲۴هـ) صاحب دیوان اشعار، و داملا عبدالله بن مراد محمد بدخشی که دیوان اشعار خود را در ۱۲۹۸ هـ ترتیب داده، و میرزا محمود سالک بالا حصاری در حدود ۱۲۶۰ هـ شاعر صاحب دیوان اشعار، و شرر کابلی دبیر وزیر فتح خان صاحب دیوان اشعار - و گل محمد افغان شاعر صاحب دیوان اشعار در بخارا - و مولانا محمد عثمان بن محمد علی پادخایی لوگری مؤلف عجایب الاخبار و گلشن اسرار و بزم طرب و نزهة المشتاق و گلچین بساتین و مشرق انوار و غیره است در حدود ۱۳۰۰ هـ - و قربان بن نذر علی متخلص به کاتب ناظم الوقایه و مفا تیح الاعجاز و دیوان شعر، و سید جعفر بن عبدالصمد رستاقی ناظم گلشن عشق و چمن عشق و دیوان اشعار متوفی ۱۲۸۴ هـ و میر عنایت الله بدخشی ناظم اصول المعیشت و دیوان اشعار متوفی ۱۲۹۰ هـ و برهان الدین لاغر بن میر یوسف علی بدخشی ناظم جام جم و روضه نور و دیوان اشعار در حدود ۱۲۹۱ هـ و میر محمود شاه بن میر احمد شاه بدخشی صاحب دیوان اشعار

متوفی ۱۲۹۵ هـ - ونعمت الله محوی مینوی دارای دیوان اشعار واحمدقلی بن سکندر هروی نویسنده تذکره شعرا آتش فشان و شاعر در حدود ۱۲۹۰ هـ و محمد رسول شهید مارملی بلخی شاعر صاحب دیوان در حدود ۱۲۷۰ هـ و عایشه بنت یعقوب علی بارکزی شاعره صاحب دیوان در عصر تیمور شاه - و محجوبه بنت سکندر خان شاعره هروی حدود ۱۲۶۴ هـ - و مستوره غوری دختر سید محمد عظیم ساکن پرچمن غور حدود ۱۲۴۵ هـ دارای دیوان اشعار - و مریم بنت سید عبدالله کرخی هروی شاعره دارای دیوان (۱۲۵۷-۱۳۰۸ هـ) و سید محسن بن میر حسین متخلص بنه شامل بالاحصاری کابلی (۱۲۳۸-۱۳۰۵ هـ) دارای دو دیوان دری و میرزا محمد نبی واصل بن محمد هاشم ملقب به دبیر الملك (۱۲۴۴-۱۳۰۹ هـ) سرمنشی در بار امیر شیرعلی خان و امیر عبدالرحمن خان دارای دیوان شعر دری - شمس الدین شاهین بن محمد امان دروازی مولف بدایع الصنایع و ناظم لیلی و مجنون و تحفه دوستان - واحمد علی شاه قندهاری متوفی ۱۳۱۱ هـ دارای دیوان دری - سید میر مشوانی هروی (۱۲۸۰-۱۳۳۳ هـ) صاحب دیوان و اشعار بسیار متین دری و رسام و خطاط - سید فخرالدین مجنون شاه کابلی (۱۲۴۲-۱۳۰۵ هـ) مولف بستان خیال - رحمت بدخشی بن میرزا اسمعیل (حدود ۱۳۰۰ هـ) دارای پنج دیوان شعر دری و صاحبزاده عشرت قندهاری (حدود ۱۳۰۰ هـ) و عبدالغفور ندیم کابلی (۱۲۹۶ - ۱۳۳۴ هـ) دارای دیوان شعر دری و ندیم بلخی بن رحمت الله (۱۲۵۴ - ۱۳۳۶ هـ) سراینده دیوان شعر - محمد ابراهیم حیرت کابلی (۱۲۵۰ - ۱۳۳۸ هـ) دارای دیوان شعر و پنج کتاب مخمس و تحفه شهنشاهی و سید احمد بن شهاب الدین مشهور به ادیب پشاور (۱۲۶۰-۱۳۴۹ هـ) دارای دیوان اشعار پخته و متین و قصاید عربی و قیصر نامه .

#### از شعرا پښتو :

عبدالرحیم هوتک صاحب دیوان - عبدالحمید مهند (۱۱۰۰-۱۱۵۰ هـ) شاعر دارای دیوان درو مرجان و مثنوی های شاه و گدای - داستان نیرنگ عشق - شرعة الاسلام در پانزده هزار بیت ۱۱۴۸ هـ - پیر محمد کاکړ که دیوان اشعارش در ۱۱۹۶ هـ تکمیل شده و کتاب کوچک گرامر پښتورا بنام معرفه الافغانی در ۱۱۸۳ هـ نوشته است - شمس الدین کاکړ قندهاری دارای دیوان شعر در ۱۲۳۸ هـ و سراج الموتی و دیگر کتب منظوم - شاه حسین هوتک - مسعود بن عبدالله ناظم داستان آدم خان و در خود در حدود ۱۲۰۰ هـ - ملا پیر محمد هوتک بن سرور ناظم افضل الطرایق حدود ۱۱۴۰ هـ

محمد هوتک بن داود خان قندهاری مولف پته خزانه و خلاصه الفصاحه در حدود ۱۱۴۲ هـ عبدالرشید بن حسین مولف رشید البیان در فقه ۱۱۶۹ هـ و **ولای خان مهنی** ناظم محمودنامه در احوال شاه محمود هوتک حدود ۱۱۴۰ هـ شیر محمد هوتک (۱۰۹۲-۱۱۷۵) مولف اسرار العارفین و تجوید افغانی - اخوند گدا مولف نافع المسلیین و دیوان اشعار در حدود ۱۱۶۰ هـ و محمدی صاحبزاده پشاور صاحب دیوان در ۱۱۸۰ هـ حافظ مرغزی ناظم شهنامه احمد شاهی در سنه ۱۱۷۶ هـ محمد مظفر بن اسماعیل مترجم تاریخ اعثم کوفی در حوالی ۱۱۲۶ هـ نواب الله یار خان بن حافظ رحمت خان پریخ مولف عجایب اللغات پښتو در حدود ۱۲۲۸ هـ عبدالکریم کاکړ قندهاری ناظم زین العلم در ۱۲۳۴ هـ از عین العلم عربی - حافظ الپوری صاحب دیوان ۱۲۰۰ هـ - قاسم علی اپریدی مولف چندین کتاب عبدالعظیم سواتی دارای دیوان اشعار ۱۱۶۷-۱۲۵۳ هـ ملا حسن تلوکانی قندهاری دارای دیوان اشعار متوفی ۱۲۴۵ هـ - رحمت داوی قندهاری ناظم مثنوی لیلی و مجنون و دیوان اشعار (حدود ۱۲۱۰ هـ) میانعیم مثنوی دارای دیوان شعر ۱۲۳۰ هـ معین الدین پشاور ناظم و امق و عنذا در ۱۲۵۶ هـ عبدالرسول قندهاری دارای دیوان اشعار و سفر نامه و آزاد نامه ۱۲۹۰ هـ ملاجمعه بارک زی قندهاری دارای اشعار متوفی ۱۲۵۹ هـ - عزیز خان رقا - خیل ناظم جنگنامه هرات حدود ۱۲۵۰ هـ مراد علی کاموی بن عبدالرحمن مولف تفسیر سیسیر ۱۲۸۲ هـ دوست محمد ختک قندهاری مولف بدر منیر و بحر العلوم و اخلاق احمدی ۱۲۹۰ هـ معزالله مهند دارای دیوان شعر ۱۲۰۰ هـ میرزا حنان قندهاری و صدیق اخندزاده و گل محمد هلمندی شعرا صاحب دیوان .

واژ شاعرات پښتو :

ناز و توخی بنت سلطان ملخی مادر حاجی میرویس خان هوتک (تولدش ۱۰۶۱ هـ) زینب هوتکی بنت میرویس خان (وفات ۱۱۲۷ هـ) سپینه هروی حدود ۱۲۵۵ هـ .

از علما مولوی محمد اعظم اندر ساکن شلگر غزنه ، و مولوی عبدالله غزنوی ، و ملا عبدالحق متولی خرقة شریفه قندهار و صوفی محمد رسول ساکزی متوفی ۱۲۸۷ هـ در قندهار ، و ملامشک عالم اندر غزنوی و ملا اسکندر (قاضی لشکر امیر شیرعلی خان) و ملا محمود و ملا عبدالله قاضی اناردره و ملا عبدالفتاح و ملا ابوالحسن (علمای هرات در حدود ۱۲۷۰ هـ) و محمد حسین بن مداح الکوزئی قندهاری مولف شرح انکشافیه بر حاشیه

تصور و تصدیق میرزاهد هروی و مسعود گل بن قاضی عبدالرحمن  
بشاوری مولف عجایب الاخبار در ۱۲۲۶هـ و عبدالحلیم کاکر قندهاری  
مولف ردحلیمیه علی مطاعن احمدیه در ۱۲۲۴هـ و ملاعبدالحق بن عبدالغفور  
خروتنی ناظم یاقوت السیر پنبنتو و مولف شرح اربعین و ملاقطب توخی  
شارح بساکنب ادبی در قندهار ، و مولانا عبداللطیف صدرالعلماء دربار  
تیمورشاه (متوفی ۱۱۹۵هـ) و مولوی محمد عمر ساکزی مولف کتابی در  
علم تجوید به پنبنتو متوفی ۱۲۰۵هـ ، و سعدالله خروتنی مولف حاشیه  
جلالین و حاشیه بر مولوی عبدالغفور (متوفی ۱۲۰۹هـ)

باوجودیکه درین عصر حرکت علمی و ادبی بکلی متوقف نبود ، و  
طوریکه دیدیم در هر گوشه دانشمندانی وجود داشتند ، ولی اگر بانظر  
انتقادی و مقایسوی ببینیم این دوره را نسبت بسابق عصر شباب و نشاط  
علم و ادب گفته نمیتوانیم ، بلکه دوره تقلید و انتحال است ، و آثار بکر  
علمی و فکری کمتر بنظر می آید.

ادبیات زبان دری نیز درین عصر دوره انحطاط خود را در نثرونظم  
پیموده و ابتکاری دران بنظر نمی آید و باید گفت که حضرت نورالدین  
نمای خوبی نمود. و شعرای صاحب قریحه و ابتکار مانند پیرمحمد کاکر  
عبدالرحمن جامی خاتم شعرادری بود. ولی ادب زبان پنبنتو بالعکس نشو و  
نمایافت و حمید مهمند و دیگران بوجود آمدند. و مخصوصاً حمید و کاظم  
خان ختک متخلص به شیدا جاشنی سبک هندی را در پنبنتو  
آمیختند .

در ادبیات دری زمان سدوزاییها شعرایی داریم ، که پیروان حافظ  
و جامی و شعرای سبک خراسان و عراق اند . ولی بعد از ۱۲۵۰هـ حرکتی  
زادرعالم ادب دری می یابیم ، که شعرای مانقلید سبک هند رامیکنند .  
و این اثریست که در نتیجه رواج اشعار میرزا عبدالقادر بیدل و مقبولیت  
تام کلیات اشعار او بمیان آمده است ، و اولن پیرو این سبک درغزل  
سردار مهردل خان فرزند سردار پاینده خان متخلص به مشرقی است که  
بعده از سردار غلام محمد خان طرزی و پسرش محمد امین عندهلیب نیز  
همین سبک را فراوان پیروی میکنند. در حالیکه در همین خاندان سردار  
هارون خان برادر سردار پاینده خان و سردار غلام حیدر خان و سردار  
احمد خان پسران امیر دوست محمد خان هر سه شعرای صاحب دیوان  
دری اند ، و سردار شهناز خان بن سردار سلطان احمد خان سرکار و  
خوشدل خان بن مشرقی و سردار محمد حسن خان سیاه بن تیمور قلی خان

سردار وزیر فتح خان (حدود ۱۳۰۰هـ) و سردار محمد عزیز بن سردار  
شمس الدین خان (حدود ۱۳۱۰هـ) و سردار عباس خان بن سردار سلطان  
محمد خان شاعر و مولف گل عباسی و جواهر خمسه و عناصر اربعه و  
تفسیر کلام الله (۱۲۵۲ - ۱۳۴۳ هـ) نیز شعر دری را گفته اند. ولی در  
کلام ایشان اثری از پیروی سبک هند و طرز تخیل و تلازمات شاعرانه آن  
کمتر بنظر می آید .

شعر دری از عصر احمد شاه بابا تا اواخر عصر امیر عبدالرحمن  
خان حدود ۱۳۲۰هـ در قالب تقلید فکری و عروضی شعرای قدیم و مخصوصاً  
سبک هند ماند. و شعرایی که درین حدود قرن بمیان آمدند همه مقلدان  
همان شعرای دور های گذشته بودند ، ولی بعد از جنگ اول و دوم  
افغان و انگلیس که آثار مدنیت جدید اروپا از هند و شمال به افغانستان  
رسید ، درینجا نیز اثر کرد ، و همین حدود ۱۳۲۰ق طلیعه فکر نو در  
ادبیات جدید افغانستان است .

تحولیکه تاثیر صنعت و مدنیت اروپا در ادب این وقت وارد نمود ،  
تحول فکری است که بر قالب و سبک ظاهری شعر اثری نکرد ، و شعرای  
ما همان قالب عروضی قدیم را معتبر دانستند ، ولی اثر فکر جدید باقل  
در ادب ملی ما داخل شد . و می بینیم که مولوی محمد سرور و اصف قندهاری  
قصیده بی درتشویق و ترغیب به مدنیت جدید و چشم کشودن باوضاع  
جهان سرود ، و نخستین بار در عصر امیر شیر علی خان حدود ۱۲۹۰هـ  
جریده بی بنام شمس النهار از بالا حصار کابل نشر شد ، و بعد ازان در  
سنه ۱۳۲۳هـ نخستین شماره سراج الاخبار افغانستان از طرف یک انجمن  
دانشمندان بمدیریت مولوی عبدالروف خان قندهاری از طبع برآمد . و  
حرکت جدید نشر معارف و تاسیس مکاتب و مطبوعات و ترجمه و تالیف  
آثار جدید عصری ادبی نیز آغاز شد . و پیشوای این حرکت فکری و ادبی  
جدید محمود طرزی بن سردار غلام محمد خان طرزی قندهاری بود ، که  
در سنه ۱۲۸۴ ق درغزنه بدنیا آمده و بتاريخ ۲۲ نومبر ۱۹۲۳م در استانبول  
از جهان رفت . او در سنه ۱۳۲۹ق سراج الاخبار افغانیه را که فقط یک  
شماره آن در سنه ۱۳۲۳ق نشر شده بود تجدید حیات داد ، و آنرا بطور  
یک جریده موقوته پانزده روزه تا مدت ۸ سال نشر کرد ، که محرک بیداری  
و استقلال طلبی مردم افغانستان گردید . و انشای جدید و فکرنوین را در  
نثر و نظم دری بپرورانید . او (۲۰) کتاب را بزبان دری از ترکی ترجمه و  
یا تالیف نمود ، و نخستین مریدیست که بنیاد مکتب نوین فکری و ادبی را



درین وقت است که شعرای دیگر و نویسندگان پبستو و دری فکر جدید را وارد ادب افغانی نمودند ، و امثال عبدالعلی مستغنی (۱۲۹۳ - ۱۳۵۲ق) و قاری عبدالله (۱۲۸۸ق-۱۳۲۲ش) و عبدالغفور ندیم و عبدالهادی داوی و مولوی صالح محمد هوتک و مولوی غلام محی الدین افغان و مولوی عبدالرب قندهاری و دیگر نویسندگان و شاعران با وجودیکه قوالب کلاسیکی نویسندگی را پیروی میکردند ، کم کم افکار جدید و مفاهیمی را که مدنیت قرن ۲۰ بوجود آورده بود نیز پروردند .

در نیمه نخستین قرن ۱۹ سلطه و استعمار انگلیس که بامبادی تمدن جدید و تحول صنعتی همراه بود ، بر تمام هندوستان تاکنار های دریای سند بسط یافت ، و بسرحدات طبیعی شرقی مملکت پیوست ، و جنگ اول افغان و انگلیس که با تعرض لشکر سند (اندرسارمی) در سنه ۱۹۳۹م آغاز شده بود ، بعد از مدت پنج سال با شکست قطعی لشکریان متجاوز و فتح نیروی ملی افغان خاتمه یافت و بعد ازان راه آهن هند نیز طریق رفت و آمد را باین سو کشود ، و بنادر بحری بمبی و کراچی راه انتقال بحری را هم به مرز های افغانی باز نمود ، در حالیکه در غرب مملکت یعنی ایران قاجاری و در شمال در روسیه تزاری نیز مبادی مدنیت جدید و نشو و نمای فکر نوین صورت میگرفت ، و تمام این عوامل مؤثره بر حیات و فکر و سیاست و اداره مردم افغانستان نیز اثر میکرد .

یکی از ممثلان این حرکت فکری سید جمال الدین بن سید صفد و کنری است (۱۲۵۴-۱۳۱۵ق) که جهاد خود را بر ضد سه عامل بدبختی شرق (استعمار - استبداد - خرافات) از افغانستان آغاز کرد ، و در هند - ایران - ترکیه عثمانی - مصر نهضت جدید فکری و اصلاحی آورد و شهرت بین المللی را کسب کرد ، و او را نخستین پرورنده فکر جدید و بیداری افغانستان و ممالک شرق توان گفت . ولی دسایس استعمار و خانه جنگی های شهزادگان و عدم تمرکز مملکت نگذاشت که این حرکت فکری ، سیر طبیعی خود را دوام دهد . تا که امیر شیرعلی خان توانست در دوره دوم شاهی خویش اولین کابینه افغانی را بریاست صدراعظم سید نور محمد شاه قندهاری تاسیس و جریده شمس النهار و اشکر منظم و برخی تشکیلات عصری را بوجود آورد ، و در سیاست نیز خط مشی آزاد را تعقیب کرد . ولی آغاز جنگ دوم افغان و انگلیس (۱۲۹۵-۱۲۹۷ق) این سلسله را برهم زد و دوره امیر عبدالرحمن خان (۱۲۹۷-۱۳۱۹ق) در تحت فشار استبداد

بایک نوع جمود فکری گذشت . تا که در سنه ۱۳۲۳ق انجمن سراج الاخبار در کابل تاسیس و بنای حرکت جدید فکری را یاز گذاشت و دارالعلوم حبیبیه هم در کابل تاسیس شد که آغاز تدریس سانسعی و مضامین جدید باشد .

این حرکت فکری با وجود موانع خارجی و داخلی با تجدید حیات سراج الاخبار در سنه ۱۳۲۹ق از طرف محمود طرزی دوام یافت ، و حزب سیاسی نخستین افغانی بنام «اخوان افغان» هم در کابل تاسیس شد ، که مرام آن مشروطیت - استقلال - اصلاحات داخلی بود ولی اعضای این حزب در سنه ۱۳۲۵ق کشته یا محبوس شدند . و همین حزب اخوان افغان بعد از ۱۳۲۹ق و احیای مجدد سراج الاخبار بوسیله محمود طرزی باز زندگی یافت ، و تا سنه ۱۳۳۷ق مجاهدات خود را در تنظیم روشن فکران افغانی و نشر معارف صرف کرد ، و مساعی این جماعت در تنویر افکار و قیام عمومی ملت افغان برای جهاد استقلال و حصول آزادی کامل سیاسی مملکت مفید بود . و چون در ۱۹۱۹م ملت افغان به بازیابی استقلال موفق آمد ، تمام روشن فکران در تشکیل جدید اداری و ترتیب امور مدنی و تعمیم معارف و تاسیس مکاتب و توسیع مطبوعات و معرفی افغانستان جدید آزاد بدنیا کوشیدند ، و این مساعی بار آور تاکنون ادامه دارد .

## ماخذ و مراجع

کتبی که در نوشتن این کتاب ازان استفاده شده است :

- ۱- تنمة البیان سیدجمال الدین افغانی طبع قاهره ۱۹۰۱ م
- ۲- جنگ افغان و فارس ترجمه جارج نیون هامفو ردایزکبه انگلیسی از لاتینی طبع لندن.
- ۳- زندگانی نادرشاه از نورالله لارودی تهران ۱۹۳۹ م
- ۴- روضة الصفاى ناصری ج ۱۸ از رضا قلی هدایت تهران ۱۳۰۲ ق
- ۵- پته خزانه و تعلیقات آن بقلم حبیبی کابل ۱۹۴۴ م
- ۶- آئین اکبری از ابوالفضل لکنهو ۱۳۱۰ ق.
- ۷- تاریخ افغانه (اردو) از سید ظهور الحسن موسوی طبع هند ۱۳۳۰ ق
- ۸- تاریخ نظامی ایران ج ۱ تهران ۱۳۱۵ ش
- ۹- نادرنامه (خطی) نسخه کتب خانة حبیبی از مولف نامعلوم .
- ۱۰- سیر المتأخرین از غلام حسین طبع نولکشور لکنهو .
- ۱۱- درة نادره از میرزا مهدی استر آبادی بمبئی ۱۳۰۹ ق.
- ۱۲- مجمع التواریخ از میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی تهران
- ۱۳- مجله کاوه سال ۲ طبع برلین ۱۳۰۳ ش .
- ۱۴- تاریخ ایران از سرجان ملکم بمبئی ۱۸۶۷ م
- ۱۵- تاریخ افغانستان از ملیسن طبع دوم لندن ۱۸۷۸ م
- ۱۶- تاریخ سلطانی از سلطان محمد خالص قندهاری بمبئی ۱۲۹۸ م .
- ۱۷- خورشید جهان از شیر محمد گنداپور لاهور ۱۸۹۴ م
- ۱۸- منتخب اللباب خافی خان طبع ایشیا تک سو سیتی کلکته ۱۸۹۶ م
- ۱۹- حیات افغانی از محمد حیا تخان لاهور ۱۸۶۷ م .
- ۲۰- میرویس نیکه از زینوا کابل ۱۳۲۵ ش .
- ۲۱- مجمع التواریخ از مرزا محمد خلیل مرعشی صفوی تهران ۱۳۲۸ ش .
- ۲۲- عباسنامه از محمد طاهر وحید قزوینی تهران ۱۳۲۹ ش
- ۲۳- خلاصة الانساب ابدالی (قلمی)

- ۲۴- مشاهیر ابدالیان از حبیبی کابل ۱۳۲۵ ش
- ۲۵- رهنمای افغانستان کابل ۱۳۲۸ ش .
- ۲۶- لوی احمد شاه بابا از حبیبی کابل ۱۳۱۹ ش .
- ۲۷- دول اسلامیة از خلیل اذهم استانبول ۱۹۲۷ م .
- ۲۸- مخزن افغانی از نعمت الله هروی (قلمی).
- ۲۹- تذكرة الابرار والاشرار از اخوند درویزه پشاور طبع هند و پریس ۱۳۰۸ ق .
- ۳۰- صولت افغانی از محمد زردارخان افغان نولشکور لکنهو ۱۸۷۶ م .
- ۳۱- تاریخ افغانستان ج ۱-۲ از کهزاد کابل ۱۹۴۶ م
- ۳۲- افغانستان در قرن نژدهم از سید قاسم رشتیا طبع کابل ۱۳۲۹ ش
- ۳۳- اکبر نامه منظوم حمید کشمیری کابل ۱۳۳۰ ش
- ۳۴- در زوایای تاریخ افغانستان از احمد علی کهزاد کابل ۱۹۵۲ م
- ۳۵- مشاهیر الشرق از جرجی زیدان ج ۱- قاهره ۱۹۱۰ م
- ۳۶- المسالك والممالك ابن خردادبه، لیدن ۱۳۰۶ ق
- ۳۷- ثرة المعارف اسلامی لیدن ۱۹۲۷ م
- ۳۸- ایرانشهر از مارکوارت طبع برلین ۱۹۰۱ م
- ۳۹- ترجمه ایران بعهد ساسانیان از کورستن سین طبع د هلی ۱۹۴۱ م .
- ۴۰- فتوح البلدان از بلاذری - قاهره ۱۹۰۱ م
- ۴۱- مجمل التواریخ والقصص طبع بهار تهران ۱۹۳۸ م
- ۴۲- تاریخ سیستان طبع بهار تهران ۱۹۳۴ م
- ۴۳- تاریخ طبری ترجمه بلعمی لکنهو ۱۹۱۶ م
- ۴۴- چچنامه علی حامد کوفی سندی طبع داؤدپو ته د هلی ۱۹۳۹ م .
- ۴۵- جریده امان افغان طبع کابل ۱۹۱۹ م .
- ۴۶- تاریخ پشتون از قاضی عطاء الله طبع پشاور ۱۹۴۷ م
- ۴۷- الفهرست ابن الندیم قاهره ۱۳۴۸ ق
- ۴۸- کتیبه های موزیم پشاور از عبدالشکور پشاور ۱۹۴۸ م
- ۴۹- تاریخ التمدن الاسلامی از جرجی زیدان قاهره ۱۹۰۲ م .

- ۵۰- تاریخ ادبیات فارسی از براون لندن ۱۹۰۲-۱۹۲۴ م
- ۵۱- کتاب الخراج قدامه بن جعفر لیدن ۱۸۹۲ م
- ۵۲- تاریخ روابط سیاسی ایران از نجف قلی معزی - تهرآن م ۱۹۴۷
- ۵۳- تاریخ هند دولا فوز تهران ۱۹۳۶ م
- ۵۴- اقبال نامه جهانگیری از معتمدخان بخشی کلکته ۱۸۸۵ م
- ۵۵- تزک جهانگیر - طبع فیروز هادی لکنهو ۱۳۲۷ ق
- ۵۶- مآثر رحیمی از عبدالباقی کلکته ۱۹۲۵ م
- ۵۷- تزک بابر ترجمه عبدالرحیم خان خانان بمبئی ۱۳۰۸ ق
- ۵۸- رقصت عالمگیر طبع دارالمصنفین اعظم گده ۱۹۴۵ م
- ۵۹- منتخب التواریخ از عبدالقادر بدایونی طبع کلکته
- ۶۰- اکبر نامه از ابوالفضل کلکته ۱۸۸۶ م
- ۶۱- عالمگیر نامه از محمد کاظم ۱۸۶۸ م
- ۶۲- طبقات اکبری از نظام الدین هروی کلکته ۱۹۳۱ م
- ۶۳- مآثر الامراء از مصمصام الدوله کلکته ۱۳۰۹ ق
- ۶۴- بابر از فرنارد گروناد فرانسوی طبع پاریس ۱۹۲۶ م
- ۶۵- فارس نامه از ابن البلخی طبع کمبرج ۱۹۲۱ م
- ۶۶- افغانستان در عصر تیموریان هند از حبیبی طبع کابل
- ۶۷- تاریخ فرشته از محمد قاسم طبع لکنهو ۱۳۲۱ ق
- ۶۸- زینت الزمان فی تاریخ هندوستان از ملک الکتاب شیرازی بمبئی ۱۳۱۰ ق
- ۶۹- تاریخ مختصر هند از ابوظفر ندوی طبع اعظم گده ۱۳۵۵ ق
- ۷۰- مجمع السلاطین از نواب محمد غوث خان بمبئی ۱۳۷۹ ق
- ۷۱- تاریخ ایران از عبدالله رازی - تهران ۱۹۳۶ ع
- ۷۲- کیمبرج هستری آف اندیا ج ۴ لندن
- ۷۳- مطلع السعدین عبدالرزاق سمرقندی (خطی کابل)
- ۷۴- روضة الصفا از میرخواند لکنهو
- ۷۵- تاریخ سند از سید معصوم بمبئی ۱۹۳۸ ع
- ۷۶- مفتاح التواریخ از جان ولیم بیل لکنهو
- ۷۷- لب التواریخ از یحیی قزوینی تهران ۱۹۳۵ ع
- ۷۸- تعلیقات بیورج بر بابر نامه لندن ۱۹۲۲ ع
- ۷۹- تاریخ هند از ارسکن لندن ۱۸۵۴ ع

- ۸۰- تاریخ گزیده از حمدالله مستوفی لندن ۱۹۱۰ م
- ۸۱- مخزن اسلام پبستو از اخوند در ویزه (خطی)
- ۸۲- سلوک الغزات پبستو از ملامست زمند (خطی)
- ۸۳- تاریخ مرصع از افضل خان ختک هر تفورد ۱۸۶۰ م
- ۸۴- مقدمه کلیات خوشحال خان از حبیبی قندهار ۱۹۴۰ م
- ۸۵- پبستانه شعرا ج ۱-۲ از حبیبی کابل ۱۹۴۰ ع
- ۸۶- تاریخ افغانی از شیخ امام الدین خلیل (خطی کابل)
- ۸۷- الکامل از ابن الاثیر طبع بولا ق مصر ۱۳۹۰ ق
- ۸۸- زین الاخبار از عبدالحی گردیزی تهران ۱۹۳۵ نسخه خطی مکمل تحت طبع
- ۸۹- طبقات ناصری از منهای سراج طبع حبیبی در کابل دو جلد ۱۳۴۲ ش
- ۹۰- تذکرة الاولیاء پبستو - از سلیمان ماکو در پبستانه شعرا ج ۱ - کابل ۱۹۴۰ م
- ۹۱- تاریخ بیهقی از ابوالفضل بیهقی ۳ جلد تهران ۱۹۴۷ م
- ۹۲- تاریخ یمینی از ابو نصر العتبی قاهره ۱۳۹۰ ق
- ۹۳- تاریخ بخارا از محمد نرشخی تهران ۱۹۳۷ م
- ۹۴- حدود العالم از مولف نامعلوم تهران ۱۹۳۲ م
- ۹۵- قابوس نامه تهران ۱۹۴۰ م
- ۹۶- قابوس نامه طبع تهران
- ۹۷- جغرافیای تاریخی ایران از بار تولد تهران ۱۹۲۸ م
- ۹۸- مسالك الممالك از اصطخری لیدن ۱۹۲۷ م
- ۹۹- احسن التقاسیم از المقدسی لیدن ۱۸۷۷ م
- ۱۰۰- چهار مقاله عروضی و تعلیقات محمد قزوینی لیدن ۱۹۰۹ م
- ۱۰۱- جوامع الحکایات عوفی (خطی کابل)
- ۱۰۲- لباب الالباب عوفی - لیدن ۱۳۲۱ ق ۱۳۲۴ ق
- ۱۰۳- منتخبات آداب الحرب والشجاعه از فخر مدبر لاهور
- ۱۰۴- طبقات سلاطین اسلام از لن پول تهران ۱۳۱۹ ش
- ۱۰۵- تاریخ مختصر ایران از پاول هورن تهران ۱۹۳۴ م
- ۱۰۶- تاریخ ادبیات ایران از دکتر شفق تهران ۱۹۴۲
- ۱۰۷- اخبار الدولة السلوقیه از صدر الدین علی لاهور ۱۹۳۳ م
- ۱۰۸- ذیل جامع التواریخ از حافظ ابرو تهران ۱۹۳۷ م

- ۱۰۹- جهانکشای جوینی تهران ۱۳۱۵ ش
- ۱۱۰- تاریخ مفصل ایران از عباس اقبال تهران ۱۹۳۲ م
- ۱۱۱- حبیب الیسر از خواننده بمبئی ۱۲۷۳ ق
- ۱۱۲- سیره جلال‌الدین از محمد نسوی تهران ۱۳۴۴
- ۱۱۳- تاریخ هراة از سیفی هروی کلکته ۱۹۴۳ م
- ۱۱۴- مقاله تعدیل نسب نامه آل کرت از حبیبی شماره ۶۸ مجله آریانا کابل ۱۹۴۸ م
- ۱۱۵- ریاض الانشاء از محمود کاوان حیدرآباد دکن.
- ۱۱۶- نسب نامه افغانه از محمد عبدالسلام خان عمر خیل هند ۱۹۱۴ م
- ۱۱۷- پادشاهان متأخر افغانستان از یعقوب علی کابلی طبع کابل ۱۹۵۳ م
- ۱۱۸- عمل صالح از محمد صالح لاهوری کلکته ۱۹۳۹ م
- ۱۱۹- تزک افغانی از محمد عباس خان رفعت طبع هند ۱۲۹۹ ق
- ۱۲۰- فرهنگ اوستا طبع بمبئی
- ۱۲۱- خوشحال خان خټک از دوست محمد کامل پشاور ۱۹۵۱ ع
- ۱۲۲- تاریخ افغانستان از علی قلی میرزا تهران
- ۱۲۳- تاریخ ایران از فروغی تهران ۱۳۱۸ ق
- ۱۲۴- تحفة الحبیب از فیض محمد هزاره (خطی)
- ۱۲۵- تاج التواریخ امیر عبدالرحمن بمبئی ۱۳۲۲ ق
- ۱۲۶- مجمل التواریخ بعدنادریه از ابن محمد امین تهران ۱۹۴۰ م
- ۱۲۷- احمد شهاب بابا از میر غلام محمد غبار کابل ۱۹۴۴ م
- ۱۲۸- ریاض المحبه از نواب محبت خان (قلمی)
- ۱۲۹- مکتوبات سیاسی شاه‌ولی الله دهلوی طبع خلیق احمد نظامی علی گد ه ۱۹۵۰ م
- ۱۳۰- مکتوبات شاه فقیرالله علوی لاهور
- ۱۳۱- ظفر نامه رنجیت از امرنات لاهور ۱۹۲۸ م
- ۱۳۲- حیات حافظ رحمت خان از سید الطاف علی بدایون ۱۹۳۳ م
- ۱۳۳- سراج التواریخ ۲ جلد از فیض محمد هزاره طبع کابل ۱۳۳۱ ق
- ۱۳۴- حیات امیر دوست محمد خان از موهن لال کلکته ۱۸۳۲ م
- ۱۳۵- عروج بارکزی از الیسیس لندن
- ۱۳۶- سلطنت کابل از الفتنستن لندن ۱۸۱۵ م
- ۱۳۷- سرحد شمال غرب هند از سرولیم بارتن لندن

- ۱۳۸- جنک دوم افغان از دیورند لندن
- ۱۳۹- سیاحت غزنی و کابل از واین لندن
- ۱۴۰- اردوی سند از هوک لندن
- ۱۴۱- مسافرت بشمال هند از کونولی لندن
- ۱۴۲- افغانستان از سر مکوهن لندن ۱۹۲۹ م
- ۱۴۳- برپادی افغانستان از جنرال سیل لندن
- ۱۴۴- سر جدات هند از هولدیچ لندن
- ۱۴۵- افغانستان از کپتان کری لندن
- ۱۴۶- بلوچستان از پوتنجر لندن
- ۱۴۷- تاریخ افغانستان از سربرسی سایکس لندن
- ۱۴۸- تاریخ ادبیات پشتو ج ۱-۲ - از حبیبی کابل ۱۹۵۰ م
- ۱۴۹- مورخان گمنام افغان از حبیبی کابل ۱۹۴۶ م
- ۱۵۰- محاربه کابل از قاسم علی آکره ۱۲۷۲ ق
- ۱۵۱- فتوح السلاطین منظوم از حسامی آکره ۱۹۳۸
- ۱۵۲- تاریخ احمدی از منشی عبدالکریم نولکشور ۱۲۶۶ ق
- ۱۵۳- نوای معارک از عظامحمد طبع حبیبی درکراچی ۱۹۵۹ م
- ۱۵۴- مقدمه کرا مر پشتو از راورتی کلکته ۱۸۵۶ م
- ۱۵۵- الاصابه فی تمییز الصحابه از ابن حجر عسقلانی مصر ۱۳۲۳ ق
- ۱۵۶- کتاب البدان از الیعقوبی لیدن ۱۸۹۲ م
- ۱۵۷- سیاست نامه خواجه نظام‌الملک طبع تهران
- ۱۵۸- ریسزاف افغانستان از دلبیوللیو کلکته
- ۱۵۹- فتوحات عرب در آسیای میانه از کب طبع لندن ۱۹۲۳ م
- ۱۶۰- خلافت ازولیم تمبل میوز لندن ۱۹۲۴ م
- ۱۶۱- تاریخ الاسلام السیاسی والدینی والتقافی والاجتماعی از حسن ابراهیم ۳ جلد طبع قاهره ۱۹۴۸ م
- ۱۶۲- تاریخ مبارکشاهی از یحیی بن احمد سهرندی کلکته ۱۹۳۱ م
- ۱۶۳- قانون همایونی از خواننده میر کلکته ۱۹۴۰ م
- ۱۶۴- تذکره همایون واکبر از بایزید بیات کلکته ۱۹۴۱ م
- ۱۶۵- خصایل السعاده از محمد سعادت خان ترین لکهنو ۱۸۵۵ م
- ۱۶۶- تاریخ عمومی از عباس اقبال طبع دوم تهران ۱۳۰۵ ش

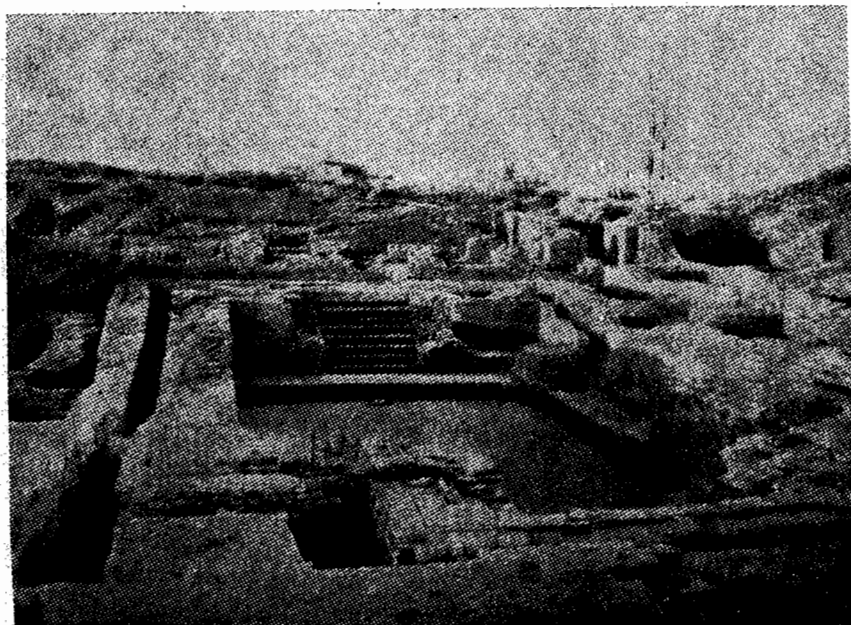
- ۱۶۷- مرآةالاشباه از محمد حسن طبع اوده .
- ۱۶۸- سالنامه های کابل از ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۳ طبع کابل
- ۱۶۹- مجله کابل ج ۱-۲-مضمون افغانستان ونگاهی بنا ریخ آن  
از میر غلام محمد غبار کابل ۱۹۳۱-۱۹۳۲
- ۱۷۰- حدیقه الا فالیم از مرتضی حسین بگرامی لکنه ۱۲۹۶ هـ
- ۱۷۱- مسکوکات افغانستان در عصر اسلام احمدعلی کهزاد کابل  
م ۱۹۲۹
- ۱۷۲- منجم العمران از سید محمد امین خاتجی مصر ۱۳۲۵ ق
- ۱۷۳- فصلی از خلاصه الاخبار خوند میر طبع کویا اعتمادی  
کابل ۱۹۴۶ م
- ۱۷۴- آثار هرات ۳ جلد از خلیل الله افغان هرات ۱۹۲۹ م
- ۱۷۵- خراسان از میر غلام محمد غبار کابل ۱۹۴۷ م
- ۱۷۶- واقعات شاه شجاع از شاه شجاع سدوزی کابل ۱۹۵۳ م
- ۱۷۷- سؤفات الاعیان از ابن خلکان مصر بولاق ۱۲۹۹ ق
- ۱۷۸- معروج الذهب از مسعودی پاریس ۱۸۶۱ م
- ۱۷۹- تاریخ عرب از فلیپ هتی لندن ۱۹۳۴ م
- ۱۸۰- تجارب الامم از ابن مسکویه لندن ۱۹۰۹ م
- ۱۸۱- شوکت افغانی از محمد عبدالحکیم خان لودی آکره  
۱۳۲۵ ق
- ۱۸۲- دول الاسلام از شمس الدین ذهبی حیدر آباد دکن ۱۳۲۳ ق
- ۱۸۳- تاریخ محمود شاه از فیض الله بنیانی (خطی پشاور)
- ۱۸۴- تزک تیموری بمبئی ۱۳۲۶ ق
- ۱۸۵- سبحة المرجان فی آثار هندوستان از سید غلام علی بگرامی  
طبع بمبئی ۱۳۰۳ ق
- ۱۸۶- تذکره نصر آبادی تهران ۱۳۱۵ ش
- ۱۸۷- مجالس الثقایس از میر علی شیر نوایی تهران ۱۹۴۴ م
- ۱۸۸- تذکره علمای هند از رحمان علی لکنه ۱۲۹۲ ق
- ۱۸۹- دینتو نخوا دشعر هارو بهار از جم دار مستتر فرانسوی پاریس  
م ۱۸۸۸
- ۱۹۰- اشعار قرن (۱۷) افغان از یودولف طبع هر تفورد  
م ۱۸۹۰
- ۱۹۱- هفت اقلیم از امین احمد رازی - کلکته ۱۹۱۸ م
- ۱۹۲- شمع انجمن از سید صدیق حسن بهو پال ۱۲۹۲ ق
- ۱۹۳- شکرستان افغانی - از میر احمد شاه رضوانی لاهور ۱۳۰۵ ق
- ۱۹۴- بهارستان افغانی - از میر احمد شاه رضوانی لاهور ۱۳۰۵ ق
- ۱۹۵- سکینه الفضلاء از عبدالحکیم رستاقی دهلی ۱۳۵۰ ق
- ۱۹۶- قاموس الاعلام از شمس الدین سامی استانبول ۱۳۰۸ ق
- ۱۹۷- مذكر احباب از حسن خواجه بخاری (نسخه خطی برلین)
- ۱۹۸- حجة الاورنك شاهیه از تاش محمد القندوزی (خطی کابل)
- ۱۹۹- آتشکده آذر از لطف علی آذر طبع بمبئی ۱۳۰۹ ق
- ۲۰۰- کلشن روه از اورتنی هر تفورد ۱۸۶۰ م
- ۲۰۱- چراغ انجمن از عبدالحکیم رستاقی دهلی ۱۵۲۹ م
- ۲۰۲- تذکره حسینی از محمد حسین سنهلی لکنه ۱۲۹۲ ق
- ۲۰۳- کلید افغانی از هیوز لاهور ۱۸۹۳ م
- ۲۰۴- جامی از علی اصغر حکمت تهران ۱۹۴۰ م
- ۲۰۵- خزانه عامره از غلام علی آزاد طبع هند
- ۲۰۶- تاریخچه شعر پښتو از عبدالحی حبیبی طبع قندهار  
م ۱۹۳۵
- ۲۰۷- ریاض الشعراء از واله داغستانی (خطی کابل)
- ۲۰۸- مرآة الخیاله از امیر شیرعلی لودی طبع هند
- ۲۰۹- تذکره الخواتین از عبدالباری آسی طبع لکنه
- ۲۱۰- خزنة الاصفیاء از مفتی غلام سرور لاهور ری لکنه  
م ۱۹۱۴
- ۲۱۱- مقدمه دیوان عبدالقادر خان ختک از عبدالحی حبیبی طبع  
قندهار ۱۹۳۷ م
- ۲۱۲- فواید الشریعه پښتو از خوند قابم پاپن خیل طبع لاهور
- ۲۱۳- تاریخ روسای پنجاب از سر لیبیل کریفن لاهور
- ۲۱۴- تاریخ پشاور از رای کویالداس - لاهور ۱۸۷۰ م
- ۲۱۵- البرامکه از محمد عبدالرزاق طبع هند
- ۲۱۶- جغرافیای قدیم کندهارا از موسیو فوشه کلکته ۱۹۱۵ م
- ۲۱۷- اخبار برامکه از عبدالعظیم کرکانی تهران ۱۳۱۲ ش
- ۲۱۸- تاریخ تمدن ایران ساسانی از سعید نفیسی طبع تهران  
۱۳۳۱ ش

- ۲۱۹- تهذيب و تمدن اسلامي ج ۱-۲ از رشيد اختر ندوي طبع لاهور  
۱۹۵۲ م.
- ۲۲۰- نقود الاسلاميه از مقرري نسخه خطي دمشق بذريعه تهذيب  
و تمدن اسلامي .
- ۲۲۱- تاريخ طبرستان از بهاء الدين محمد بن حسن بن اسفنديار  
در ۶۱۳ قمری طبع تهران ۱۳۲۰ ش.
- ۲۲۲- افغانستان بيك نظر از مير غلام محمد غبار طبع سالنامه كابل.  
۲۲۳- روضة السلاطين از فخری هروی طبع تبريز ۱۳۴۵ ش.
- ۲۲۴- تاريخ ادبيات فارسي از دكتور براون طبع لندن ن.  
۲۴۵- تاريخ ادبيات در ايران از دكتور صفا طبع تهران ۱۳۳۸ ش .
- ۲۲۶- تاريخ الادب العربي از بروكلمان طبع ۱۹۶۲ م  
۲۲۷- سبك شناسي بهار سه جلد طبع تهران ۱۳۳۷ ش  
۲۲۸- آريانا انتيكوا - از ويلسون طبع لندن ۱۸۴۱ م  
۲۲۹- طبائع الحيوان مروزي طبع مينارسكي در لندن ۱۹۴۲ م  
۲۳۰- مجمل فصیحی ۳ جلد طبع محمود فرخ در مشهد ۱۳۳۹ ش  
۲۳۱- كتاب الهند از البيروني طبع حيدر آباد دكن ۱۹۵۸ م  
۲۳۲- آثار الباقية از البيروني طبع ليبسيك ۱۸۷۶ م  
۲۳۳- معجم الانساب از زامباور طبع قاهره ۱۹۵۱ م  
۲۳۴- حدود العالم از مولف نامعلوم طبع تهران ۱۳۴۰ ش  
۲۳۴- جغرافياي خلافت شرقي از جي - لي سترينج ترجمه اردو طبع  
حيدر آباد دكن ۱۹۳۰ م  
۲۳۵- الاعلام خير الدين زركلي طبع قاهره ۱۹۵۹ م  
۲۳۶- راحة الصدور راوندي طبع تهران ۱۳۳۳ ش .  
۲۳۷- الفهرست ابن نديم طبع قاهره ۱۳۴۸ ق.  
۲۳۸- احياء الملوك در تاريخ سيستان از ملك شاه حسين سيستاني  
طبع تهران ۱۳۴۴ ش  
۲۳۹- مقالات الشعراء از مير علي شير قانع تتوي طبع كراچي  
۱۹۵۷ م  
۲۴۰- تكلمة مقالات الشعراء از محمد ابراهيم خليل تتوي طبع كراچي  
۱۹۵۸ م

# تصاویر

و

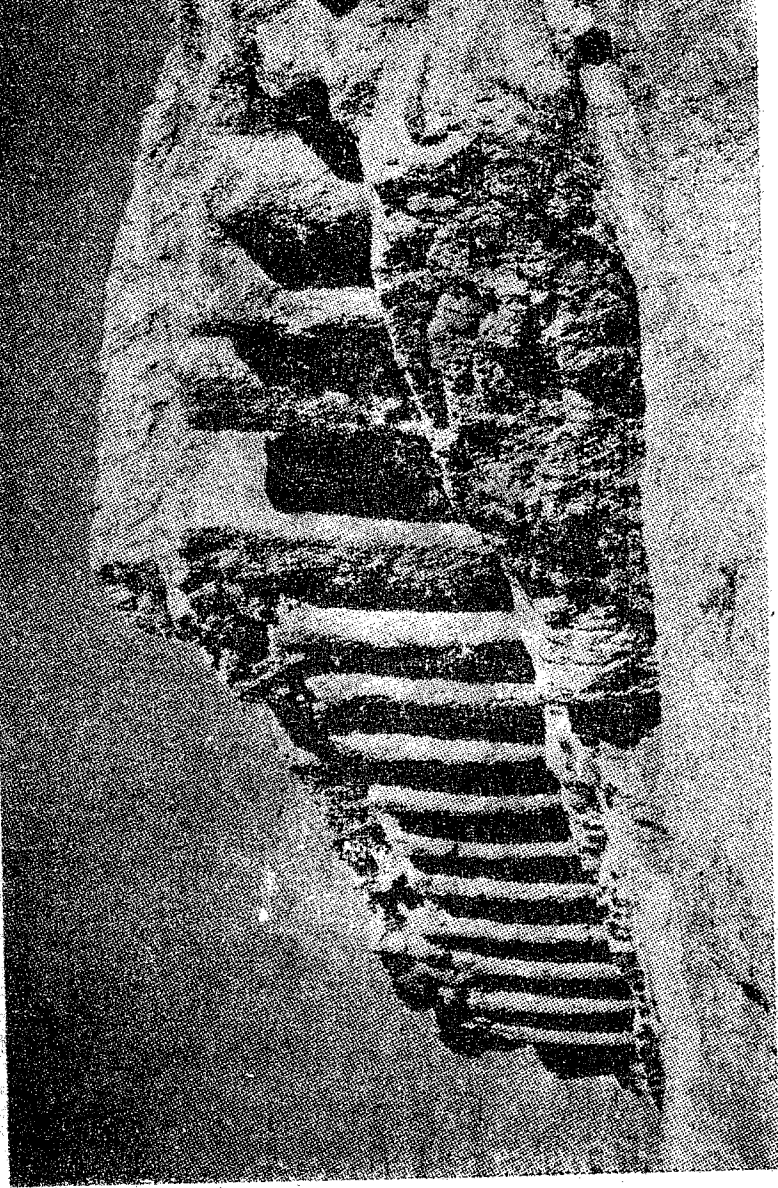
# نقشه‌ها



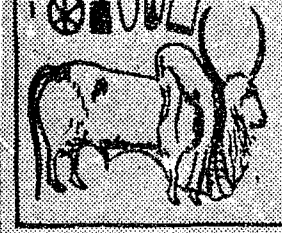
ص ۱۴ عکس منظری از بقایای ابنه موهن جو در پرو



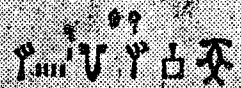
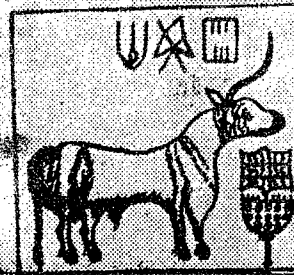
زردهشتی (ص ۱۲ عکس ۹)



ص ۷۰ نمبر ۳ بقایای یکی از اوبیة مندوبک غربی قندهار

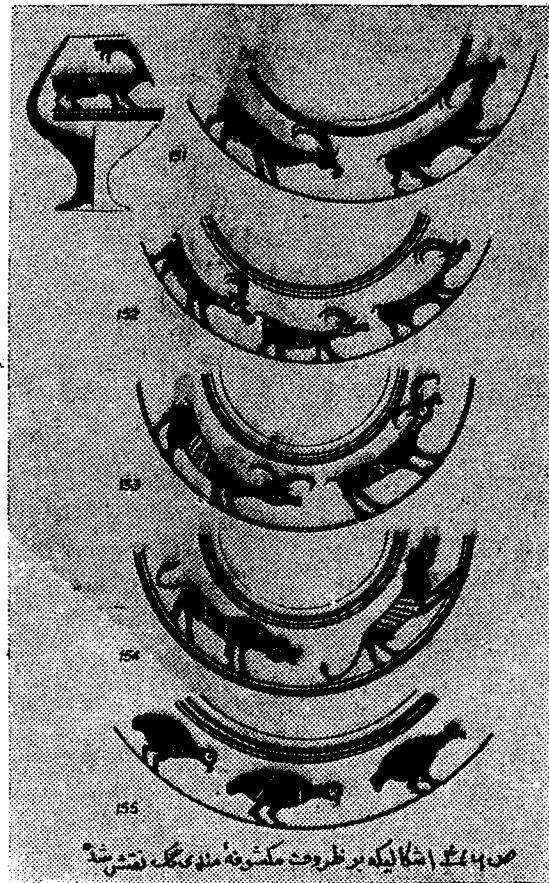


390

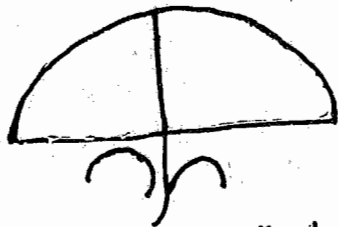


ص ۳۷۲ نقوش و خطوط موهن جو دیر

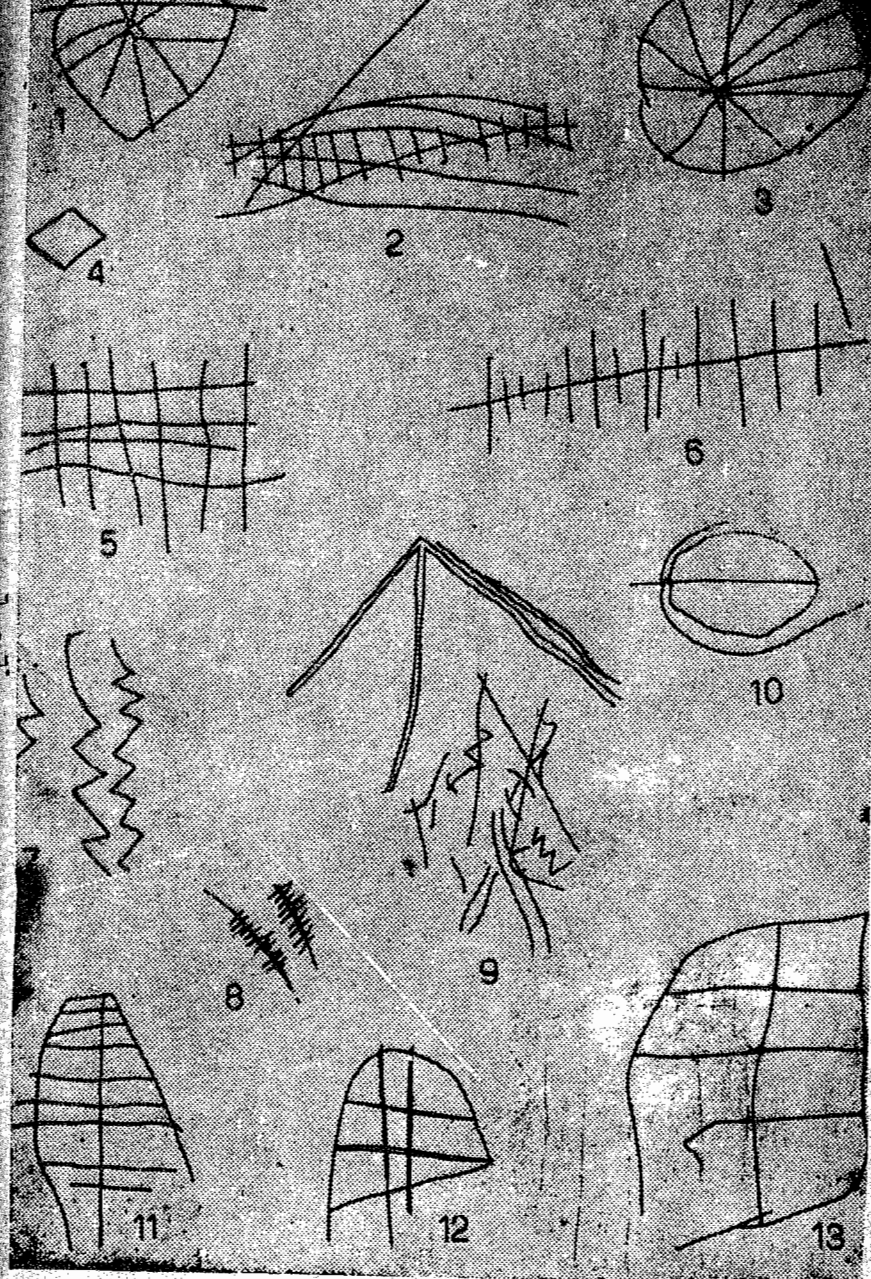




ص ۷ عکس ۷



از اشکال سماروتی قبل تاریخی هزاره سوم سمنگان افغانستان  
 که پیکر انسانی را با بازو ها و ستون فقرات نمایندگی  
 میکند، به نظایر آنرا در هسپانیا و ایتالیا و سوئزر لند  
 هم یافته اند.



ص ۶ نمبر ( ۴ )  
مقایسه دورهای کلتوری آسیای وسطی با افغانستان

شماره	جنوب ترکمنستان		خوارزم	نورانشان سغدی	نیزفانه	تاجیکستان غزنی	افغانستان و شرق آن
	آق سو	رازگاه					
۱۰۰۰	چام	بارنه	آباد		چوست	گناکو مبه	دوره مفرغ اخیره آهن قدیم در آق کپروک ازدها واسط رود نیراسی شورزی و مندی لگ و باد علی سیستان
۲۰۰۰	سنگ	سنگ		کلتور مردم دشت فشین دوره برنج			
۳۰۰۰	سوم	سوم	سوم	سوم	سوم	سوم	
۴۰۰۰	دوم	دوم	دوم	دوم	دوم	دوم	
۵۰۰۰	اول	اول	اول	اول	اول	اول	
۶۰۰۰	اول	اول	اول	اول	اول	اول	
۷۰۰۰	چیتون	چیتون	چیتون	چیتون	چیتون	چیتون	

دره کور  
آق کپروک - دیراسی  
مندی لگ - سیستان  
آق کپروک ۲-۱  
تبعه کل محمد کوئینه  
نال - جاله وان  
نورسن جودیر و هر  
قورگور - کچو

کلت مینار  
توزکان  
رمان بابا  
کلتور حصا

عاقوبت  
سوم  
دوم  
اول

۳۲ هزار ق م آق کپروک  
۵۰ هزار ق م آق کپروک  
۵۰ هزار ق م آق کپروک

در کتاب دوره سنگ و برنج فشین (آکادیمی علوم شوروی مسکو ۱۹۶۶)  
با نژاد ستون افغانستان از طرف مولف این کتاب

ص ۶ نمبر ۶-۵

اشکال ناقص بر روی سنگهای هزار سم سنگان که اشیای مختلف دوره قبل تاریخ را نشان میدهند، و نظایر آن در جایهای دیگر قبل تاریخ دنیا هم کشف شده اند، و درباره تفصیل و مقایسه آن مقاله مفصلی در مجله ایست ایند و ایست ایتالیا ۱۹۵۳ م نشر شده که ترجمه آن در شماره های ۱۲ تا ۹ سال ۱۳۴۵ ش مجله آریانا طبع کابل موجود است.



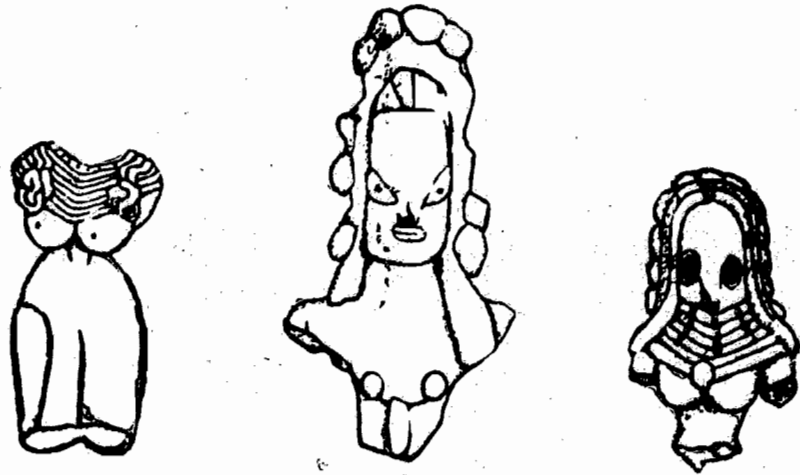




ص ۲۶ خط ۱۰ اما عیار ربه النوع ۱۰ و حاصل چیزی - از یک سکه  
سکه صنعت گر کوه باختری قرن ۲۰ ق م



نمبر ۱۵ ص ۴۸ بودا در هنر کهنهارا



ص ۲۶ نمبر ۱۰ مجسمه های مختلف ربه النوع قبل از تاریخ قندهار  
وکوئنه

↓ گنداریان



↑ بلعیان  
↓ سگایان



ص ۳۷ عکس ۱۲ برخی از مردم قدیم افغانستان در نقوش تخت  
جمشید پارس



موکب رب النوع آفتاب بر طاق  
بت ۵۳ متری بامیان  
(ص ۲۷ عکس ۱۱)

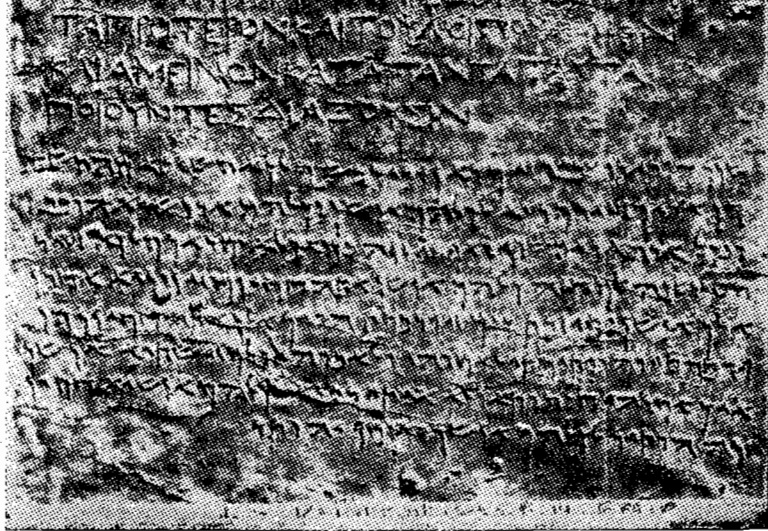


صورت‌نگار اسکندر مقدونی



صورت‌نگار  
یکی از نقاشی‌های اینده شجرها منتهی  
سینستان





ص ۴۹ عکس ۱۶ سنگ نوشته یونانی و آرامی اشوکا در قندهار



دیودوتس دوم ایوتیدیموس  
(ص ۵۲ عکس ۱۷)



خط مسیر اسکندر و قواش او در افغانستان و سرزمین های مجاور  
 (در تاریخ افغانستان ج ۱ - تالیف ماسون و براغاردین - طبع ماسکو ۱۹۲۴ م)  
 ■ خصرهای زمان اسکندر  
 □ نقاطی که در زمان اسکندر شهر بوده اند  
 ..... خط مسیر اسکندر

